



راه تجربه

دارنده مقام آسیا در رشته بسکتبال معلولان، حالا الگوی بسیاری از توان یابان شده است

سرم شکست اما شدم «فؤاد بسکتبالی»



فهمیده شهریادر یک روز معمولی، جرقه ورزشکار شدن

فؤاد زده شد. مربی اش او را صدا زد و گفت وضعیت جسمانی اش برای این رشته مناسب است. مربی از فؤاد مظفری افخم خواست به سالن بیاید و حداقل برای یک مدت کوتاه، این رشته را امتحان کند. فردای آن روز فؤاد برای اولین بار یاد سالن بسکتبال گذاشت و روی ویلچر آن نشست. وقتی خواست دور بزند، زمین خورد و سرش شکست. با وجود این او به بسکتبال علاقه مند شده بود. حالا سه سال از آن زمان می گذرد و این دانش آموز محله رازی چندین مقام کشوری در این رشته کسب کرده است. فؤاد امسال مقام سوم آسیا در رشته بسکتبال روی ویلچر معلولان رانیز به دست آورده است. او که از بدو تولد روی ویلچر نشسته و از نوزادی در بهزیستی بزرگ شده است، در پایه دوازدهم رشته انسانی در مدرسه شهید رنگز قاسم آباد درس می خواند.

ورزش من را به مردم پیوند زد

وقتی از فؤاد درباره اولین تجربه حضورش در کشوری دیگر می پرسیم، بعد از چند ثانیه تأمل با خنده می گوید: این قدر استرس مسابقات را داشتم و تمام ذهنم متمرکز آن بود که به چیز دیگری توجه نکردم. این قهرمان تعریف می کند: وقتی در تایلند مدال برنز و سوم آسیا را گرفتیم از خوشحالی داشتم گریه می کردم. خاطرات او را کمی به عقب می برند و تعریف می کند: اوایل برای مسابقات، مربی ام همراهم می آمد اما بعد از دوسه بار، بلیت برایم گرفت و گفت دیگر باید خودت بروی.

فؤاد ادامه می دهد: من اهل صحبت با مردم جامعه نبودم اما وقتی تنهایی از شهری به شهر دیگری می رفتم، به ناچار خیلی وقت ها باید با دیگران هم صحبت می شدم و حتی زمان هایی برای جابه جایی چمدان یا ویلچرم از آن ها تقاضای کمک می کردم. فؤاد تأکید می کند: این تعاملات اجتماعی برای من خیلی خیلی خوب بود. به واسطه ورزش توانستم با جامعه و مردمش ارتباط برقرار کنم.

موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد

برعکس اینکه او ذهنیت خاصی از تایلند ندارد، خاطرات شیرینی از هنگام بازگشت به ایران برایش رقم خورده است که این گونه تعریف می کند: وقتی برگشتیم، در فرودگاه خیلی ها به استقبال آمده بودند. انتظارش را نداشتم. در بینشان مسئولان

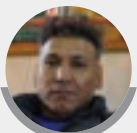
مؤسسه توان بخشی فیاض بخش و خیران هم حضور داشتند. از دیدنشان خیلی خوشحال شدم. برایم حکم پدر و مادر را داشتند. آن ها پشتم بودند که توانستم پیشرفت کنم و خدا را شاکرم که سربلند و با مدال برگشتم.

این مقام های فؤاد فراتر از یک مقام ورزشی، مثل یک بمب انرژی باعث انگیزه بخشی در هم نو عانش شده است. او مدام به دیگر معلولان می گوید: «خواستن، توانستن است»، «معلولیت، محدودیت است اما مانع پیشرفت نیست».

به نظر فؤاد موفقیت ربطی به وضعیت جسمی ندارد. کسانی به آن دست می یابند که در برابر سختی ها کم نیاورند و از تلاش خسته نشوند.

بهترین خودش است

غلامرضا نامی، مربی فؤاد، می گوید: او اولین فرد از فیاض بخش است که توانسته است مقام آسیایی به دست آورد و این موضوع این قدر به دیگر معلولان انگیزه داده که چندین نفر بعد از او به سمت ورزش آمده اند. نامی از فؤاد به عنوان ورزشکاری آرام، کم صحبت و دارای تلاش و پشتکار یاد می کند و می گوید: برخلاف عده ای از معلولان، فؤاد اهل غرزدن نیست. نمی گوید چرا من روی ویلچر هستم. چرا خانواده ام سراغم را نمی گیرند و... همین شرایطی را که دارد پذیرفته و سعی می کند بهترین خودش باشد. خدا را شکر با همین روحیه توانست به جایی برسد که خیلی ها حتی با وضعیت جسمی بهتر نمی توانند به آن دست یابند.



حتی نمی دانستم بسکتبال چیست

زندگی با ویلچر این قدر فؤاد را از ورزش دور کرده بود که حتی نمی دانست بسکتبال چیست. او تعریف می کند: سه سال پیش که خیلی اتفاقی در فیاض بخش واز کنار مربی ام غلامرضا نامی رد می شدم، او از من خواست به سالن بروم و تست بسکتبال بدهم. تا آن روز اصلاً نمی دانستم بسکتبال چه رشته ای است و چه کاری باید انجام دهم. او ادامه می دهد: وقتی روی ویلچر بسکتبال نشستم، ترسیده بودم. با ویلچر خودم فرق داشتم و نمی توانستم درست با آن حرکت کنم. مربی چند مانع گذاشت تا از آن ها عبور کنم اما همین که خواستم دور بزنم، زمین خوردم و سرم شکست. با این حال فؤاد تصمیم گرفت تسلیم نشود. او نمی خواست گوشه گیر باشد و با یک صدمه عقب بکشد. این اتفاق او را مصمم تر کرد تا بیشتر تمرین کند و این قدر اراده و پشتکار به خرج داد که به قول خودش و دوستانش شد «فؤاد بسکتبالی» و بعد از دوماه تمرین، به مسابقات رفت.

بی تجربه بودم و تشنه پیشرفت!

تعریف می کند: سال ۱۴۰۰ مسابقات ملی لیگ دسته یک بود. ما بی تجربه بودیم و اعضای تیم حریفان با تجربه بودند؛ با این حال توانستیم مقام سوم را به دست آوریم. در این مسابقات، مقام اول جوان ترین بازیکنان با تجربه خیلی برایم سخت و استرس آور بود اما وقتی این عنوان را به من دادند، بسیار خوشحال شدم و انگیزه بیشتری برای ادامه راه پیدا کردم. این بسکتبالیست سال ۱۴۰۲ وارد اردوی تیم ملی می شود. او استرس هایش را به یاد می آورد و می گوید: مسابقات همیشه من را مضطرب می کرد. سنم کم بود و بی تجربه و در عین حال تشنه پیشرفت. تیم ملی هم شوخی بردار نیست. کم بیابوری می بازی. خیلی ها آنجا حذف شدند اما خدا را شکر من با کمک مربی ام در تیم ملی ماندم و اردوهای بعدی و بعدی را به طور مداوم حضور داشتم. او چنان در این اردوها و مسابقات خوش درخشید که سال ۱۴۰۳ اسمش در فهرست ورزشکاران اعزامی به مسابقات آسیا در تایلند درآمد.

